

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هدف از روزه، تقوا و رأس تقوا، تحکیم اسلام

(ترجمه)

الله سبحانه و تعالی روزه ماه رمضان را بر مسلمانان فرض گردانیده و هدف نهایی آن را تقوا قرار داده است. تقوا یعنی امتثال به اوامر الهی و اجتناب از نواهی اش بوده. وقتی مسلمان احسان را در روزه خود مراعات کند، متقی خواهد شد؛ چنانکه وی سبحانه و تعالی فرموده:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ) [بقره : 183]

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! بر شما روزه واجب شده است؛ همانگونه که بر کسانی که پیش از شما بوده اند، واجب بوده است تا باشد پرهیزگار شوید.

مفسران درباره تقوا اقوال زیادی گفته و نگاشته اند؛ اما من در این مقاله به اقوال حضرت علی کرم الله وجهه در مورد تقوا می پردازم. «تقوا یعنی ترس از الله جلیل، عمل به تنزیل، قناعت به قلیل و آماده گی به روز رحیل می باشد.» من در اینجا، روی این جمله تمرکز می کنم: «و عمل به تنزیل».

تنزیل یعنی کتاب الله و سنت نبی اش □. اگر مروری به واقعیت امت در صدر اسلام و قرون اولیه داشته باشیم، خواهیم دید که امت به تنزیل عمل می کرد؛ یعنی اسلام را در تمام امور زندگی خود: عبادی، اخلاقی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حاکمیت بخشیده بود. رمضان نزد مسلمانان ماه تقویه صلهی شان به الله بود و التزام شان به تقوا سدی برای انحرافات اخلاقی بود که ممکن از یک مسلمان در طول روزهای سال بروز کند. بنابر این، سعی می کردند تا در رمضان تقوای کامل و همه جانبه را کسب کنند.

اما واقعیت امروزی ما مسلمانان بعد از آنکه دولت خلافت نابود گردید، احکام اسلام برجیده و حال مسلمانان متغییر گشت. اسلام نزد مسلمانان منحصر به احکام تعبدی گردیده و در امور زندگی شان از احکام سیاسی، اقتصادی و دیگر نظام های اسلامی خبری نیست! حکم بمأنزل الله رخت بسته و به جایش حاکمیت جدائی دین از دنیا که کافر استعمارگر با خود آورده جایگزین شده! دست اسلام را از صحنه سیاسی کوتاه کرده و حکام سرزمین های اسلامی برای راضی نگهداشتن اربابان امریکایی، انگلیسی و امثالهم تلاش نموده، حتی اگر به قیمت غضب الهی تمام شود! خواهشات و هوای نفس استعمارگر حکم قوانین را به خود گرفته و او کسی است که نظام های دولتی و سیاسی را حد و مرز بخشیده، بلکه حاکم واقعی بوده و حکام دیگر، عروسک های بیش نیستند که استعمارگر هرگونه بخواهد آنان را می رقصاند. اکثریت مردم این حقیقت را دانسته، اما همچنان دست زیر الاشه گذاشته و هیچ نمی کنند؛ این در حالی است که کتاب الله در بین شان بوده و این قول الله سبحانه و تعالی را در آن می خوانند:

(وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَى) [طه: 124]

ترجمه: و هرکس از یاد من روی گرداند، بی گمان برای او زندگی (سخت و) تنگی خواهد بود و ما او را در قیامت نابینا محسوس می کنیم.

بلی، امروزه ما مسلمانان در تنگنا و سختی بسر می بریم؛ زیرا منهج الله و شریعت وی را رها نموده و به قوانین کفری متمسک شده، جهاد فی سبیل الله را که تنها راه رساندن اسلام برای کفار است ترک نموده ایم و از دولت و خلیفه ای که اسلام را در داخل تطبیق و رسالت هدایت و نور را برای جهانیان در خارج حمل کند محروم هستیم؛ با وجود آنکه این حدیث رسول الله □ می خوانیم:

«وَالْجِهَادُ ماضٍ مِنْذُ بَعَثَنِي اللهُ إِلَى أَنْ يُقَاتِلَ آخِرُ أُمَّتِي الدَّجَالَ، لَا يُبِطُّهُ جَوْرُ جَانِبٍ، وَ لَا عَدْلُ عَادِلٍ... الدیلمی عن أنس.»

ترجمه: جهاد همیشه باقی است، از زمانی که الله مرا به پیامبری مبعوث کرد تا آنکه آخرین امت من با دجال می‌جنگند، ظلم ظالمی و عدالت عادلانی آن را از بین برده نمی‌تواند.

اما چگونه با کسی جهاد کنیم که ضلالت‌های آن را در حاکمیت خود گرفته ایم! به عبارت دیگر؛ خفته خفته را کی کند بیدار؟! اما در عرصه اقتصاد، احکام اسلام اقتصاد ما را جهت‌دهی نکرده؛ بلکه نظام سرمایه‌داری و بانک‌های سودی مثل بانک پولی جهان و دیگر بانک‌های بین‌المللی آن را رهبری و جهت‌دهی می‌کند؛ اما در عرصه اجتماعی یعنی پیوند مرد با زن و احکام خانواده؛ غرب کافر استعمارگر می‌خواهد تا مسلمانان احکام توافق‌نامه سیداو را جایگزین احکام اسلام کنند؛ احکامی که بین مرد و زن به سوی مساوات کامل دعوت کرده و می‌خواهد تا قیومیت مرد و احکام ازدواج و طلاق و امثالهم را لغو کند! در نهایت قصد دارد اسلام را که مسیر زندگی امت را هموار می‌سازد، از صحنه زندگی ناپدید سازد. بلی، از صحنه زندگی امتی که الله برایش بزرگترین و با شرف‌ترین وظیفه را داده و آن این‌که باید وظیفه انبیاء را با حمل رسالتش به پیش ببرند. الله سبحانه و تعالی فرموده است:

[كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ] [آل عمران: 110]

ترجمه: شما (ای مؤمنان) بهترین امتی هستید که به سود مردم آفریده شده‌اید (مادامی‌که) امر به معروف و نهی از منکر می‌نمائید و به الله ایمان دارید.

ماه رمضان، فرصتی است برای بازنگری در حساب‌ها و بررسی و مراجعه به مواضع مان و همچنان، فرصتی است برای بازگشت به کتاب پروردگار و سنت پیامبرمان تا آن را در واقعیت زنده‌گی خود بسان صحابه بزرگوار و تابعین تطبیق کنیم. پس چگونه بازگردیم؟ و چگونه اسلام را تطبیق کنیم تا به تقوا نایل شده و در حالی با رمضان وداع گوئیم که این هدف بزرگ تحقق یافته باشد؟ کسی که به احکام اسلام نظر بیندازد، خواهد دید که احکام فردی مثل نماز، زکات و حج و امثالهم وجود داشته که مردم با آن‌ها کدام مشکلی ندارند! اکثریت مسلمانان، روزه می‌گیرند، نماز می‌خوانند، حج می‌کنند و زکات می‌دهند، اما احکام دیگری نیز وجود دارد که تطبیق آن در توان افراد نیست؛ مثل: قطع دست دزد و تازیانه زدن زناکار مجرد که مردم و افراد توان تطبیق آن را ندارند و هرج و مرج بوجود می‌آید. بنابر این، باید مرجعی وجود داشته باشد که چنین احکامی را تطبیق کند و رسول الله ﷺ که فرستاده الله بودند، همچنان حاکم و رهبر مردم نیز بودند که امور مسلمانان را تنظیم و احکام اسلام را بالای شان تطبیق می‌کردند.

سپس رسول الله ﷺ بعد از خود کسی را به عنوان خلیفه خود برگزیدند که به امور مردم و تطبیق احکام اسلام رسیده‌گی کند، در عوض شان حاکمیت را به پیش ببرد و وی نماینده امت در تطبیق اسلام می‌باشد و این همان چیزی است که امت از آن محروم است. بلی، خلیفه‌ای که آن احکامی را تطبیق می‌کند که افراد توانایی تطبیق آن را نداشته و وی در تطبیق این احکام از امت نماینده‌گی می‌کند، در موجودیت چنین کسی با چنین شرایطی ما می‌توانیم که به تنزیل کاملاً عمل کنیم و برای مان تقوا حاصل شود. پس وظیفه امروزی امت برای کسب رضایت پروردگارش اینست که احکام الله را در تمام عرصه‌های زنده‌گی خود تطبیق و در یک بخش منحصر نکند و این زمانی عملی خواهد شد که با یک خلیفه بیعت شود.

این وظیفه و مکلفیت ماست که دوباره دولت اسلامی را روی کار آوریم؛ دولتی که کافر استعمارگر آن را نابود کرد و احکام کفری دیموکراسی، لیبرالیزم و امثالهم جایگزینش شد! پس بر همه ما لازم است تا همراهی حاملان دعوت و فعالیت‌کننده‌گان برای تأسیس دولت خلافت بر منهج نبوت کار کنیم. از الله سبحانه و تعالی می‌طلبیم که رمضان امسال نگذرد؛ مگر این‌که وی سبحانه و تعالی ما را با خلافت راشده بر منهج نبوت کرامت بخشد! همانا او ولی این کار بوده و بر آن قادر است!

برگرفته از شماره 438 جریده الرایه

نویسنده: ابراهیم عثمان (أبوخلیل)

سخنگوی رسمی حزب التحریر-ولایه سودان

مترجم: محمد مزمل